

مبنای عشق و نفرت حب و بغض ما نسبت به دیگران چه باید باشد؟

عشق و نفرت؛ دو روی سکه‌ای سرنوشت‌ساز!

بارها این نصیحت را شنیده‌ایم که «دیگران را به‌خاطر خودشان دوست بدارید، نه بخاطر منافع خودتان». جمله زیبا و روشنفکرانه‌ای است و ظاهراً هم اخلاقی و انسانی به نظر می‌رسد. فقط مشکلش این است که زیادی شعاری است. در عمل کمتر کسی می‌تواند منافع خودش را نادیده بگیرد و عاشقانه، بی‌توقع و تحت هر شرایطی به دیگری عشق بورزد. ما معمولاً تا وقتی به عشق‌مان نسبت به دیگران وفاداریم که نادیده گرفته نشویم، منافع‌مان به خطر نیفتد، مورد بی‌مهری قرار نگیریم و خوبی‌هایمان با بدی پاسخ داده نشود و به محض این که احساس کنیم دیگران قدر محبت‌های ما را نمی‌دانند، عطای دوستی را به لقایش می‌بخشیم و رابطه را رها می‌کنیم. دلیل این موضوع این است که ما حبّ ذات داریم و خودمان را بیش از هر چیز و هرکس دیگری در جهان دوست داریم، حتی وقتی عاشق می‌شویم به دلیل لذتی است که از عشق می‌بریم؛ اگر عشق ورزیدن و محبت کردن لذت نداشت، بعید بود دور و برش بپلکیم!

در این که عشق ورزیدن به دیگران با انگیزه‌ها و مطامع شخصی، کار افراد پست و فرومایه است، شکی نیست، اما محبتی هم که صرفاً به خاطر طرف مقابل باشد، هیچ‌گاه آن قدر قدرت ندارد که ما را پایبند به رابطه نگه دارد. این‌گونه محبت‌ها چون به جای محکمی وصل نیستند، خیلی زود تحت تأثیر منیت‌ها و خودخواهی‌های ما قرار می‌گیرند و به نفرت تبدیل می‌شوند. ما باید برای حب و بغض‌ها و عشق و نفرت‌هایمان دنبال دلیل منطقی‌تر و قوی‌تری باشیم؛ دلیلی که با [هدف خلقت](#) ما هماهنگ بوده و خودمان و روابطمان را از شر خودخواهی‌ها و منفعت‌طلبی‌های بخش حیوانی، نجات دهد، اما سؤال این است که چه دلیلی می‌تواند تا این اندازه قدرتمند باشد؟

دوستت دارم، فقط به عشق خدا!

برای پیدا کردن دلیل قدرتمندی که بتواند روابط ما با دیگران را به‌طور اصولی تنظیم کند، باید یک‌بار دیگر به ساختار نفس انسانی، که پس از این مقالات شما بهتر از ما بر آن تسلط دارید، رجوع کنیم. گفتیم که وجود ما مراتب و ابعاد گوناگونی دارد، که از بُعد جمادی شروع می‌شود و تا بعد انسانی ارتقا می‌یابد. همچنین گفتیم که این ابعاد بر تمام جنبه‌های زندگی ما از خوردن و خوابیدن گرفته تا مسائل کلان زندگی، اثر دارند. یکی از این جنبه‌ها نیز نظام محبتی است.

ابعاد مختلف وجود ما می‌توانند روی عشق و نفرت ما نسبت به مسائل و افراد پیرامونمان کاملاً اثر بگذارند و آن‌ها را تحت تأثیر خود قرار دهند، ولی ما فقط در صورتی انسان و شایسته لقب اشرف مخلوقاتیم، که عشق و نفرت و حب و بغض‌هایمان بر پایه فوق‌عقل و بعد اصلی وجودمان باشد؛ به عبارت دیگر، من حقیقی ماست، که باید تعیین کند چه چیزها و چه کسانی را دوست بداریم و از چه چیزها یا کسانی متنفر باشیم، اما اهمیت این موضوع در چیست؟

اهمیت این موضوع در پیوندی است، که با بحث ولایت الهی و هدف نهایی خلقت ما دارد. ما به هر دلیل و با هر منطقی می‌توانیم چیزی یا کسی را دوست بداریم، یا از او متنفر باشیم. کسی هم در این زمینه ما را مجبور به دوست داشتن یا دوست نداشتن افراد نمی‌کند، اما مسئله این است که بسیاری از دلایل ما برای عشق و نفرت نسبت به دیگران، که اتفاقاً از نظر خودمان درست و منطقی به نظر می‌رسند، ناشی از خودخواهی‌های بخش حیوانی‌اند و در نتیجه به کلی ما را از مجموعه ولایتی خدا خارج کرده و زیر پرچم شیطان قرار می‌دهند. «ولایت» یعنی زیرمجموعه مدیریتی کسی قرار گرفتن و او را به‌عنوان سرپرست و صاحب اختیار خود پذیرفتن. حقیقت ولایت این است که انسان با میل و اختیار خود با کسی پیوند برقرار کند و خودش را برای تربیت و حرکت در مسیر زندگی در اختیار او قرار بدهد.

در عالم دو نوع ولایت بیشتر وجود ندارد؛ یکی ولایت خدا و دیگری ولایت شیطان. تک‌تک ارتباطات ما با جهان اطرافمان هم تحت یکی از همین دو نوع ولایت شکل می‌گیرند و حالت دیگری وجود ندارد. بدیهی است که ما برای زندگی تحت ولایت شیطان و سقوط در پرتگاه جهنم آفریده نشده‌ایم. آن‌چه ما را به هدف خلقتمان می‌رساند، زندگی زیر خیمه خدا و قرار

گرفتن تحت ولایت و سرپرستی اوست، اما رسیدن به ولایت خدا یک شرط مهم دارد و آن، تنظیم نظام محبتی و عشق و نفرت بر اساس خواست و رضایت خداست؛ اگر کسی واقعاً می‌خواهد تحت مدیریت و سرپرستی خدا باشد و بر صراط مستقیم حرکت کند، باید حب و بغض‌ها و عشق و نفرت‌هایش را با رضایت خدا تنظیم کند، نه با منیّت‌ها و خواسته‌های دل خودش. مؤمن قدرتمند کسی است که هر چه خدا دوست دارد، او هم دوست بدارد و هر چه خدا دشمن می‌دارد او هم دشمن بدارد؛ ولو از نظر منافع دنیوی به ضررش باشد، یا مجبور شود غرور و خودخواهی‌اش را به‌خاطر هماهنگ شدن با معیارهای الهی زیر پا بگذارد.

تنظیم نظام محبتی راه‌هایی از تنگناها

تنظیم عشق و نفرت بر محور رضایت خدا تمام جنبه‌های زندگی ما را متحول می‌کند و از انقباضات روحی، کدورت‌ها و بیراهه رفتن‌ها نجاتمان می‌دهد. کسی که این‌گونه زندگی کند، آزاد و رها می‌شود و دایره دوستی‌هایش با سایر مؤمنان وسعت می‌یابد. عقاید مخالف را تحمل می‌کند و با فرهنگ‌ها و سلائیق گوناگون کنار می‌آید. تفاوت‌هایش با همسر، فرزند، همکار، همسایه و سایر مؤمنان را به‌راحتی می‌پذیرد و سعی نمی‌کند هوس‌هایش را به دیگران تحمیل کند، اگر کسی به‌خاطر رضای خدا به او تذکری بدهد یا از رفتارهایش ایرادی بگیرد، برافروخته و خشمگین نمی‌شود و با روی باز به استقبال انتقادات می‌رود، اگر مؤمنی در حقش بدی کند، او را می‌بخشد و فراموش می‌کند.

البته تنظیم نظام محبتی بر محور رضایت خدا فقط در حب و عشق خلاصه نمی‌شود. بغض و نفرت نسبت به دشمنان خدا هم روی دیگر این سکه است و اتفاقاً برائت از دشمنان، مقدم بر محبت دوستان است. ما قبل از این‌که مهمان عزیزی را به خانه دعوت کنیم، اول آلودگی‌ها و گرد و خاک‌های خانه را برطرف می‌کنیم. خانه دل نیز همین‌طور است. تا دل ما از محبت دشمنان خدا پاک نشود، محبت دوستان در آن جای نمی‌گیرد. [تقدم تبری بر تولی](#) یک قاعده عقلی و عرفی است و قابل مناقشه و خدشه نیست.

به‌عنوان نکته پایانی باید بگوئیم، ما تحت ولایت و مدیریت هرکس که قرار بگیریم به مرور شبیه او می‌شویم و اسم‌ها و صفات او در ما هم ظهور و بروز پیدا می‌کند. کسی که ولایت خدا را برمی‌گزیند مثل خدا صبور، مهربان، بخشنده و رؤوف می‌شود و کسی که ولایت شیطان را می‌پذیرد مثل شیطان خبیث، خودشیفته، متکبر و حسود می‌شود. این‌که مربی و تدبیر کننده امور ما چه کسی باشد، اصلاً مسئله کوچکی نیست و با سرنوشت ما در دنیا و آخرت ارتباط مستقیم دارد؛ چون میزان شادی و آرامش ما در دنیا و بهشتی یا جهنمی شدنمان در آخرت، کاملاً وابسته به اسم‌ها و صفاتی است، که در طول حیات دنیوی کسب کرده و با آن‌ها انس گرفته‌ایم. این موضوع را در دروس قبلی به‌طور مبسوط شرح داده‌ایم. جهت یادآوری می‌توانید به کلاس دوم دوره تکمیلی مراجعه کنید.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer